



The application of futures research in the development sociology

Ali Akbar Valadbeigi^{*1} | Gholam Reza Behroozi Lak²

Abstract

Utilizing the capabilities of development sociology and future research together helps to evaluate the results of political, social and other measures in practice. This research aims to show the common capabilities and capacities of development sociology and future research as a science and tool, in such a way that it is possible to find Common routes alignments between the two. To check this alignment, the model of correlation of sciences has been used. According to the findings of this research, the background of sociology of development has grown and evolved in its own way, but it has not been logically connected with future studies. But in connection with it, with future research, from the views of; Traditional to forecasting, exploratory or based on imaging and future-making, whether based on a prescriptive or retrospective approach, by describing the factors of social phenomena in relation to past trends, makes future behaviors more predictable. The present research has tried, by looking at the background of the sociology of development, before the discussions of future studies. To investigate the application of exploratory future research, imaging future research and prescriptive future research in the sociology of development, to reach the desired situation.

Keywords: futures research, development sociology, futures research methods.

1. Corresponding Author: Student of Bagher al uloom (pb) Univercity, Qom, Iran. valadbig@yahoo.com
2. Professor of political studies department, Bagher al uloom (pb) Univercity, Qom, Iran.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کاربرد آینده پژوهی در جامعه شناسی توسعه

علی اکبر ولد بیگی^{۱*} | غلامرضا بهروزی لک^۲

سال سوم
زمستان ۱۴۰۱
صص: ۶۵-۴۵



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۱/۱۱/۱۶
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۱/۱۲/۰۸



چکیده

بهره گیری از قابلیت های جامعه شناسی توسعه و آینده پژوهی، توأم با هم به ارزیابی نتایج اقدامات سیاسی، اجتماعی و غیره در عمل کمک می کند. این تحقیق با هدف نشان دادن توانمندی ها و ظرفیت های مشترک جامعه شناسی توسعه و نیز آینده پژوهی به عنوان علم و ابزار، به گونه ای پرداخته که می توان میان این دو همسویی هایی یافت. برای بررسی این همسویی از الگوی ترابط علوم استفاده شده است. بنابر یافته های این پژوهش، پیشینه جامعه شناسی توسعه در مسیر خود، دارای رشد و تکامل بوده ولی به شکل منطقی با آینده پژوهی پیوند نخورده است. اما در ارتباط آن با آینده پژوهی، از دیدگاه های؛ سنتی به پیش بینی، بصورت اکتشافی یا براساس تصویر پردازی و آینده سازی و همچنین براساس رویکرد تجویزی یا پس نگری، با توصیف عوامل پدیده های اجتماعی در ارتباط با روندهای گذشته، رفتارهای آینده را پیش بینی پذیرتر می کند. تحقیق حاضر تلاش کرده است با نگاهی به پیشینه جامعه شناسی توسعه، پیش از بحث های آینده پژوهی، کاربرد آینده پژوهی اکتشافی، آینده پژوهی تصویر پردازی و آینده پژوهی تجویزی را در جامعه شناسی توسعه، برای رسیدن به وضعیت مطلوب مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه ها: آینده پژوهی، جامعه شناسی توسعه، روش های آینده پژوهی.

valadbig@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دانشگاه باقر العلوم(ع)، قم، ایران.

۲. استاد گروه مطالعات سیاسی، دانشگاه باقر العلوم(ع)، قم، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

پیشرفت جامعه‌نیازمند استفاده از علم و ابزار به عنوان شناخت پیشران‌ها و حل موانع در گذشته، حال و آینده است. همچنین تحقق وضعیت مطلوب، با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها امکان بیشتری دارد. اما تحقیقات آینده‌پژوهی بصورت جزیره‌ای هستند، محققان و متخصصان در زمینه‌های مختلفی مشغول پژوهش بوده‌اند، اما این تحقیقات در شاخه‌های مختلفی به شکل معناداری با هم فرق می‌کنند. (حیدری، ۱۳۹۷) بنابراین آینده‌پژوهی یک تئوری جامع ندارد. همچنین آینده‌پژوهان، اغلب متخصصان حوزه‌های خاص هستند. از طرفی تحقیقات جامعه‌شناسان، در پیدا کردن علت و عوامل پدیده‌های اجتماعی که در آینده جوامع، تأثیرگذار بوده است، نقش مهمی داشته‌اند. دستیابی به وضعیت مطلوب همیشه خواست جامعه‌شناسان نیز بوده است. در این تحقیق فرض بر این است، آینده‌پژوهی در جامعه‌شناسی توسعه کاربرد دارد. به نظر می‌رسد، با توجه به همسویی این دو ظرفیت، در چارچوب ترابط، همکاری آن‌ها در دستیابی به وضع مطلوب بهتر محقق شود. برای پاسخ به این مسأله که کاربرد آینده‌پژوهی در جامعه‌شناسی توسعه به چه صورت است؟ با طرح مفاهیم پژوهش و پرداختن به جامعه‌شناسی توسعه قبل از بحث‌های آینده‌پژوهی، کاربرد روش‌های آینده‌پژوهی اکتشافی، آینده‌پژوهی تصویر پرداز و آینده‌پژوهی تجویزی در جامعه‌شناسی توسعه، توضیح داده می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

۱. آینده‌پژوهی

می‌توان گفت، آینده‌پژوهی علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا است و آینده‌پژوهی دانشی است که به انسان می‌آموزد چگونه آینده‌ای مطلوب برای سازمان و یا جامعه خود ترسیم کند. (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۵) آینده‌پژوهی می‌آموزد چگونه با آینده‌ای مبهم مواجه شد و در این مواجهه، دستخوش کم‌ترین دشواری شده و بیش‌ترین منافع را بدست آورد. تعریف عملیاتی تر از آینده‌پژوهی

عبارت است از: مطالعه درباره آینده‌های گوناگون (ممکن، باور پذیر، محتمل و مطلوب) به گونه اکتشافی و هنجاری یا تجویزی که اغلب در افق زمانی میان مدت (حدود ۱۰ تا ۲۰ سال) و یا بلند مدت (حدود ۲۰ تا ۵۰ سال) واقع خواهند شد.

۲. جامعه‌شناسی توسعه

از نگاه جامعه‌شناسی توسعه، توسعه به معنی عبور جامعه از ساختارهای سنتی به سمت اشکال جدید زندگی است و جامعه‌شناسی توسعه در صدد بررسی این تغییرات و الگوهای حاکم بر آن است. یکی از پیامدهای مهم صنعتی شدن تعارضات و تناقضاتی است که مطالعه و تحقیق پیرامون آن از وظایف جامعه‌شناسی توسعه است. جامعه‌شناسان توسعه معتقدند ارتقاء سطح زندگی با نظام ارزشی جامعه در ارتباط است و هر جامعه‌ای از ارتقاء سطح زندگی برداشت خاصی دارد و به یک اندازه به آن اهمیت نمی‌دهند.

• جامعه‌شناسی توسعه پیش از بحث‌های آینده‌پژوهی

جامعه‌شناسی توسعه کمک می‌کند، از دیدگاه‌های مختلف به دنیای اجتماعی بنگریم. زیرا در اغلب موارد اگر درک درستی از چگونگی زندگی دیگران داشته باشیم، به فهم بهتری از چستی مسائل آن‌ها می‌رسیم. دوم، به ارزیابی نتایج اقدامات سیاسی و اجتماعی در عمل کمک می‌کند. زیرا هر برنامه‌ای ممکن است، نتواند به آنچه طراحان آن در نظر داشته‌اند، برسد. دیگر اینکه، با فهم بهتر چرایی عملکردهای جامعه می‌توانیم بر آینده خود تأثیر بگذاریم. (گیدنز، ۱۳۹۶)

جامعه‌شناسان کلاسیک، توسعه اجتماعی را در قالب نظریه‌های کلان دگرگونی اجتماعی مورد توجه قرار داده و به دنبال پاسخ به این پرسش بودند که یک جامعه چگونه دچار دگرگونی‌ها و تغییرات گسترده می‌شود و این تغییرات چه تأثیر مثبت و منفی برای جوامع خواهد داشت. آن‌ها دل مشغول رویدادهایی بودند که با انقلاب‌های صنعتی همراه بود. می‌کوشیدند هم پیدایش و هم نتایج و پیامدهای بالقوه آن‌ها را درک کنند. (ریترز، ۱۳۹۴)

با نگاهی به نظریه تکامل‌گرایی میزان توجه جامعه‌شناسی توسعه به آینده را می‌توان سنجید، جامعه‌شناسی توسعه، از تئوری تکامل‌گرایی بهره گرفت زیرا نظریه تکامل‌گرایی توانسته بود گذار اروپای غربی از جامعه سنتی به جامعه نو را در قرن نوزدهم تبیین کند. این نظریه در شکل‌گیری مکتب نوسازی نقش و تأثیر بسزایی داشت و محصول اندیشه اوایل قرن نوزدهم و دوران پس از انقلاب صنعتی در اروپا است. (ی.سو، ۱۳۸۰) اما مکتب نوسازی مبتنی بر فرهنگ خاص خود است و با فرهنگ همه جوامع ممکن است، سازگار نباشد.

برای بررسی چشم‌اندازهای توسعه، جامعه‌شناسان توجه خود را بر دگرگونی متغیرهای الگویی و تمایز ساختاری متمرکز ساخته و اندیشمندان علم سیاست نیز بر ضرورت بالابردن ظرفیت نظام سیاسی تأکید می‌ورزند. اولین دسته از فرضیات پژوهش‌گران نوسازی، مفاهیم خاصی است که آنان از نظریه تکامل‌گرایی اروپایی اقتباس کرده‌اند. طبق نظریه تکامل‌گرایی تغییر اجتماعی یک فرایند تک‌خطی، رو به پیشرفت و تدریجی است که جوامع بشری را بطور بازگشت‌ناپذیری از یک مرحله ابتدایی به یک مرحله پیشرفته سوق داده و در مسیر حرکت به سمت تکامل، جوامع را هرچه بیشتر به هم شبیه می‌سازد. (ی.سو، ۱۳۸۰)

برخی محققان مانند "مک‌کلند" بر همبستگی قوی میان انگیزه پیشرفت و توسعه اقتصادی تأکید می‌ورزند، "بلا" به ارزیابی نقش مذهب "توکوگاوا" به توسعه اقتصادی ژاپن می‌پردازد، "لیپست" توجه خود را بر نقش احتمالی توسعه اقتصادی در پیشرفت دموکراسی در کشورهای جهان سوم متمرکز ساخته است و "اینکلس" به بحث در مورد پیامدهای فرایند نوسازی بر نگرش‌ها و رفتارهای افراد می‌پردازد. فرض همه این‌ها بر تزریق ارزش‌های معطوف به غرب به کشورهای جهان سوم است. (ی.سو، ۱۳۸۰) البته اشاره خواهیم کرد، چگونه این نظریه به بن‌بست رسیده است.

بنابراین جامعه‌شناسی توسعه، معطوف بر دگرگونی‌های بزرگی بود، این تغییرات، ریشه در تحولات قرن ۱۶ تا ۱۹ در اروپای غربی داشت. در خصوص ماهیت این دگرگونی‌ها، چگونگی تحقق و پیامدهای آن اختلاف نظرهای جدی شکل گرفت. فهم این مسأله دانشی را به نام جامعه‌شناسی توسعه پایه‌گذاری کرد که در برگیرنده جریان‌ات نظری مختلف اعم از چپ و لیبرالیستی و ناسیونالیستی بود.

تا جنگ جهانی دوم جامعه شناسی توسعه عمدتاً به مسائل جوامع صنعتی توجه داشت و کمتر به مشکلات کشورهای جهان سوم می‌پرداخت با ورود به دهه ۱۹۵۰م شاهد تمرکز جامعه شناسی توسعه به مسأله جهان سوم هستیم. با ورود به بحث توسعه و توسعه نیافتگی، توسعه نیافتگی را معلول دو جنبه داخلی؛ موانع را درونی می‌داند و پیشرفت و تکامل را محصول ایجاد تغییرات از داخل می‌داند و جنبه بین المللی؛ برجسته‌های تاریخی وضع کنونی تأکید دارد و توسعه نیافتگی جهان سوم را محصول توسعه جهان غرب می‌داند. به عبارت دیگر جنبه اول در قالب مکتب نوسازی و جنبه دوم مبتنی بر مکتب وابستگی و دیدگاه‌های چپ است.

اما این دو مکتب با بن بست‌های جدی روبرو بوده و نتوانسته اند پیشرفت جوامع بسوی آینده را به خوبی ترسیم کنند. همانطور که گذشت، از نگاه جامعه شناسان نوسازی توسعه بعنوان یک ایدئولوژی و یک چشم انداز اجتماعی، ریشه در آرمان‌های نوسازی دارد که کشورهای جهان را به پیروی از مدل اقتصاد و جامعه غربی تشویق می‌کند و عناصر مکتب غرب گرایانه توسعه همیشه ناعادلانه بوده و هرگز کارکرد درستی نداشته و در این زمینه شکست خورده است و به باور ولفگانگ ساکس^۱ ایده توسعه در این قالب‌ها پویایی نداشته و بی مصرف شده و درجا می‌زند. بنابراین جامعه شناسی توسعه در مواجهه با کشورهای صنعتی و نیز جهان سوم در تحقیقات خود بیشتر درگیر یک سیکل ثابت در چگونگی گذار جوامع سنتی به صنعتی بود و به صورت جدی با آینده‌پژوهی پیوند نخورده بود.

از طرفی در غرب و در مدرنیته پیش‌بینی‌هایی که به‌عنوان شاخص‌های اعتبار دانش در نظر گرفته می‌شد، اغلب گمراه‌کننده بوده است. زیرا پیش‌بینی‌ها مشروط به شرایط هستند، شرایط ممکن است تغییر کند، پیش‌بینی هم محقق نشود. علاوه بر این، وجود خود پیش‌بینی ممکن است در نقش خود تغییرگر، ظاهر شود، به تغییر شرایط کمک کند، یعنی اگر شرایط یکسان باقی می‌ماند، پیش‌بینی به حقیقت می‌پیوست، بنابراین تصمیم گیرندگان باید عواقب تغییرات و اقدامات مداوم را قبل از تصمیم‌گیری و نه بعد از آن بدانند. (Wendell, 1997)

اگرچه رویه‌های روش‌شناختی آینده‌نگر توسعه یافته‌اند، اما هنوز هیچ نظریه‌ای درباره دانش مورد توافق عمومی برای مطالعات آینده وجود ندارد. با این حال همه آینده‌پژوهان معاصر در

1. wolfgang sachs

غرب، عمدتاً تحت تأثیر دو مورد اساساً متناقض، پوزیتیویسم و پساپوزیتیویسم، قرار گرفته‌اند، تعداد قابل توجهی از آینده‌پژوهان پیشگام در طول جنگ جهانی دوم و پس از آن با روش پوزیتیویستی آموزش دیده‌اند. آنها از جمله بر ساختار منطقی گزاره‌های رابطه‌ای، تجربه‌گرایی و آزمون‌پذیری و غیره متمرکز هستند. پساپوزیتیویست‌ها در اوایل دهه ۱۹۶۰، با شورش علیه پوزیتیویسم، باورهای اصلی پوزیتیویست را زیر سوال بردند، آن‌ها به ایده‌های پوزیتیویستی نظریه‌های علمی و نظریه‌هایی که به دلیل آزمون تجربی انتخاب شده‌بودند، حمله کردند. (Wendell, 1997)

به نظر وندل، از آنجا که پوزیتیویسم و پساپوزیتیویسم در نهایت فلسفه‌های نادرستی هستند که پایه کمی برای دانش فراهم می‌کنند، بسیار کمتر مبنایی برای حوزه آینده‌پژوهی، هستند. هرچند بعداً واقع‌گرایان انتقادی بر آن شدند، نه تنها دانش حدسی، ممکن است، بلکه چنین دانشی را می‌توان فراتر از شک معقول به حساب آورد. "وندل بل و اولیک" در راستای نگاه انتقادی به مدرنیته، مفهوم "دانش جایگزین" را پیشنهاد می‌کنند. به نظر آنها نظرها صرفاً اظهاراتی در مورد آینده هستند که ما آنها را درست می‌دانیم، اگرچه نمی‌دانیم، آنها درست هستند یا نه؟ جانشین‌های دانش، به منظور کشف احتمالات جایگزین برای آینده، از جمله موارد غیر محتمل، آن دسته از قضایایی هستند که ما آنها را به عنوان دانش حدسی می‌پذیریم، زیرا زمینه‌های باور به آنها را در معرض تحلیل انتقادی قرار داده ایم و ابطال ناپذیر می‌مانند. (Wendell, 1997)

پژوهش درباره آینده‌های ممکن و محتمل و مطلوب، چشم اندازه‌های مفهومی و ابزارهای روش شناختی جدیدی را می‌طلبد. اگر جامعه‌شناسی بنا دارد مدخلیت بیشتری داشته باشد، نیازمند در پیش گرفتن جهت‌گیری آینده‌مدارتر و با تصورات گوناگونی که کنش‌گران اجتماعی مختلف، از آینده دارند درگیر شود نه اینکه تحت سیطره تک خطی، خود را محبوس کند. (شولز، ۲۰۱۵)

از طرفی میان جامعه‌شناسی توسعه و آینده‌پژوهی، نوعی هم‌سویی وجود دارد، و ارتباط آن‌ها باهم موجب تکامل آن‌ها می‌شود. زیرا هر دو با جامعه سروکار دارند هر دو از علوم بین‌رشته‌ای هستند و در کنار هم ثمره بیشتری می‌توانند برای جامعه در رسیدن به آینده مطلوب داشته باشند و هر دو با هم برای رسیدن به این هدف که همان وضع مطلوب است، تلاش بهتری خواهند داشت.

بنابراین جامعه شناسی توسعه و آینده پژوهی هر دو قادر هستند برای رساندن افراد و جامعه به وضع مطلوب، بایکدیگر در ارتباط باشند. آینده پژوهی به اکتشاف و تصویر پردازی و تجویز آینده پردازد و جامعه شناسی با کشف معناهای نهفته در پس کنش ها به علت یابی رفتارها پردازد. زیرا پیدا کردن همین معناها و علت و عوامل رفتارها و پدیده های اجتماعی به همراه آینده مداری، کمک می کند تا جامعه به مسیر درست برای هدف مورد نظر ادامه دهد.

• کاربرد آینده پژوهی اکتشافی در جامعه شناسی توسعه

یکی از رویکردهای مهم آینده پژوهی رویکرد آینده پژوهی اکتشافی است، دو نگاه در ارتباط با آینده پژوهی اکتشافی وجود دارد، یکی اینکه این دیدگاه، معمولاً براساس نگاه سنتی به پیش بینی است. آینده نتیجه علت و معلولی گذشته است و نوعی جبرگرایی^۱ در آن پنهان است. بنابراین تاریخ، طبق قانونی ثابت، حال را به آینده مبدل می سازد. پس کشف آینده مورد نظر و نیز تطبیق خود با آن، مورد توجه است. (ناظمی اشنی و قدیری، ۱۳۸۵)

اما دیدگاه دیگر مخالف این است که در آینده پژوهی اکتشافی، نوعی جبرگرایی باشد، زیرا انسان موجودی مختار است و آینده انعکاسی از رفتار او در زمان حال به حساب می آید و تأثیر رفتارهای فرد و اجتماع در شکل گیری آینده غیر قابل انکار است.

سؤال اساسی برای اکتشاف آینده این است که آینده چه وضعیتی دارد و جامعه شناس توسعه چگونه مسیر وفق دادن جامعه با آن را بررسی می کند؟ پاسخ این است جامعه شناسی، پدیده های اجتماعی مانند علل و عوامل تغییرت را در اجتماع توصیف می کند و بر اساس روندهای گذشته، در پی شناخت علت ها بر می آید. بنابراین رفتارهای آینده را پیش بینی پذیر می کند. در این صورت معلوم می شود این رفتارها با آن آینده اکتشافی متناسب است یا خیر؟ قاعدتاً اگر اکتشاف آینده متناسب با نیازها، فرهنگ و ارزش های جامعه باشد، رفتارها در آن مسیر پیش می رود. زیرا رفتارها بر اساس فرهنگ و ارزش های حاکم بر جامعه شکل می گیرد.

با استفاده از یک چارچوب جامعه شناختی و دست یابی به برخی داده ها، می توان پویایی درونی یک تیم اجرایی را مورد مطالعه قرار داد، ممکن است این پویایی درونی، تیم را از ایجاد ظرفیتی برای پیش بینی جمعی آنچه باید اتفاق بیفتد باز دارد. تیم اجرایی ممکن است، نه تنها به ترین

1. fatalism

"جمع" برای ایجاد آینده‌نگری نباشد، بلکه آینده‌نگری را سرکوب کند. یا به آینده‌ای، کمتر بهینه منجر شود، برای برون رفت از این مشکل، اعضا باید مهارت تحقیق را در سطحی توسعه دهند که پرسش از مقدمات اطلاعات جدید و دانش موجود را تسهیل کنند، بافت جمعی به گونه‌ای پیش برود که عملکرد به مسدود شدن پرسش و یادگیری منتهی نشود. بنابراین آینده‌نگری به دلیل ماهیت جمعی، مستلزم درک کنش‌های اجتماعی است. تعامل پویای پدیده‌های جمعی انسانی مانند؛ رهبری، قدرت، ارتباطات، نقش‌ها و ارزش‌ها می‌تواند، توانایی یک جمع را در ایجاد دانش و آینده‌نگری مفید تعیین کند.

(Schwandt & Gorman, 2004)

البته رویکرد اکتشافی در جهت موفقیت می‌تواند، ترکیبی از دو اکتشاف تهورآمیز و غیر تهورآمیز باشد؛ در صورتی که آینده‌پژوهی بی توجه به نظریه‌ها و معرفت‌های پیشین در صدد کشف آینده باشد، چنین اقدامی تهورآمیز و یاجسارت‌آمیز بوده است، اما غیر تهورآمیز بودن به این است که آینده‌پژوهی، کاملاً منقطع و بریده از نظریه‌های جامعه‌شناختی، متمرکز بر ارزش‌های جامعه، نباشد، نظریه‌ها دارای ساختار منظم و مفاهیم دقیق، حاوی سرنخ‌ها و توصیه‌هایی هستند. استفاده آینده‌پژوهانه از این سرنخ‌ها موجب چالاک تر شدن آینده‌پژوهی در پیشرفت جوامع خواهد بود. بنابراین باید از معارف موجود و نظریه‌های قبلی، بعنوان پدیدارهای از پیش شناخته شده بعنوان کمر بند محافظی برای پژوهش‌های بعدی، به نحو ایجابی و سلبی رهنمون‌هایی فراهم ساخت، تا پدیده‌های بدیعی را پیش بینی کرد. زیرا آینده‌پژوهی، برای موفقیت در تحول و توسعه، نیازمند این کمر بند محافظ است. (چالمرز، ۱۳۸۱)

اکثر نظریه پردازان جامعه‌شناسی آینده بهتر، انسانی تر صلح آمیزتر، اخلاقی تر نوید می‌دهند. زیرا هریک از نظریه‌های تحول و تغییر به پیشرفت انسانیت و بهبود زندگی فردی و جمعی انسان اعتقاد داشته اند؛ کنت، دوره اثباتی را مرحله برتری از تفکر و سازمان اجتماعی تلقی می‌کرد. اسپنسر تحول و تغییر اجتماعی را در سیر صعودی به سوی جامعه صنعتی مبتنی بر صنعتی شدن، لیبرالیسم را توجیه می‌کرد. مارکس و انگلس از فروپاشی اجتناب ناپذیر سرمایه داری به نفع جامعه بدون طبقه خبر دادند.

جامعه‌شناسی دینی در ادیان مختلف نیز به آینده مطلوب و وعده داده شده، حکایت دارد. چنان که در نظرات "ماکس وبر" اثرگذاری دین و ارزش‌های دینی در جامعه‌شناسی توسعه قابل مشاهده است. بنابراین جامعه‌شناسان توسعه و آینده‌پژوهان اکتشافی در تعامل با هم مبنی بر ارزش‌های مورد نظر جامعه می‌توانند آینده بهتری را رقم بزنند.

در جامعه‌شناسی مدل‌هایی برای پیش‌بینی روندها و رویدادهای مسیر منتهی به آینده وجود دارد یکی از این مدل‌ها، مدل «استیپ وی»^۱ است. براساس این مدل، ضمن گردآوری اطلاعات پیرامون روندها و رویدادها با توجه به گذشته و حال، سیر رویدادهای آتی را می‌توان پیش‌بینی کرد و پیامدهای آن را به عنوان تهدیدها و فرصت‌ها دسته‌بندی کرد. اصل رویکرد استیپ بر جامعه‌شناسی استوار است. زیرا همه تغییرات و تحولات در بستر جامعه شکل می‌گیرد. وظیفه اساسی رویکرد اکتشافی این است که روندها و رویدادهای مهم که احتمال وقوع آن‌ها در آینده وجود دارد را کشف و شناسایی کند. (میرخلیلی، ۱۳۹۱)

در چارچوب اکتشافی تلاش می‌شود تا با شناخت مهم‌ترین عدم قطعیت‌های کلیدی، درک کاملی از احتمالات و امکان‌پذیری‌های مختلف بدست بیاید. بدین منظور شناخت عدم قطعیت‌ها و ابهامات موجود در آینده با استفاده از چارچوب اکتشافی بهتر خواهد بود. گرچه از عوامل شناخته شده که از استمرار یا احتمال رخداد و عدم رخداد آن‌ها در آینده به طور قطع نمی‌توان سخن گفت، اما شناسایی و اکتشاف همین عوامل، تا حد بسیار زیادی حقایق، ماهیت، مختصات و آینده‌پدیده مورد نظر را برای ما روشن می‌کند. (نقیب‌سادات و همکاران، ۱۴۰۰)

ایده‌های جامعه‌شناسی در ارتباط با علل و عوامل توسعه و وجود تغییرات، در جهت اکتشافات آینده به آینده‌پژوه کمک می‌کند، و نادل و اولیک، به منظور تصدیق وضعیت هستی‌شناختی مختص به آینده، یک تمایز مفهومی، در جهت معرفت‌شناسی، آینده‌نگر پیشنهاد می‌کنند. پیش‌بینی‌های فرضی درست یا نادرست و پیش‌بینی‌های نهایی درست یا نادرست، اولی مربوط به پیش‌بینی‌هایی است که قبل از وقوع، ارزیابی می‌شوند، زمانی درست هستند که مفروضات و زمینه‌هایی که آنها بر آن ایستاده‌اند، در برابر انتقاد، بصورت جدی مقاومت کرده‌باشند، یعنی

1. STEEP V

اعتقاد ما به آنها موجه باشد، یا مفروضات و زمینه‌ها در چنین آزمون‌هایی با شکست مواجه می‌شوند و پیش‌بینی بطور فرضی، نادرست است. (Wendell, 1997)

اما پیش‌بینی‌های بطور نهایی درست یا نادرست، پس از واقعیت‌ارزیابی می‌شوند. آنهایی که در فرآیندها به واقعیت فعلی تبدیل شده‌اند، درست هستند و در غیر این صورت، نادرست هستند. این تمایز به ما امکان می‌دهد، تشخیص دهیم که باور ما به یک پیش‌بینی در زمان انجام آن موجه است، اما این پیش‌بینی ممکن است، کاملاً نادرست باشد. ممکن است شرایط تغییر کند. علاوه بر این، خود پیش‌بینی ممکن است شرایطی را تغییر دهد که بر شانس تحقق آن تأثیر گذارد. از این رو، آینده‌پژوهان را به قدرت پیشگویی‌های "خود تغییردهنده" معطوف می‌کند. (Wendell, 1997)

بنابراین پژوهش‌های جامعه‌شناختی می‌تواند به ارزیابی نتایج اقدامات سیاسی و اجتماعی در عمل کمک کند. زیرا همانطور که گذشت، هر برنامه‌ای ممکن است، نتواند به آنچه طراحان آن در نظر داشته‌اند، برسد.

• کاربرد آینده‌پژوهی تصویر پرداز در جامعه شناسی توسعه

تصویر پرداز از روش‌های آینده‌پژوهی است که آینده را برای دیگران ترسیم می‌کند این روش بسیار شبیه روش آینده سازی است. ترسیم تصویری مطلوب یا نامطلوب از آینده‌ای که بر مبنای درک و نگرش آینده نگر در علم بشر یا سنن و علم الهی صورت می‌گیرد. (حمزه پور و میرک آبادی، ۱۳۸۱)

بی تردید هیچ کس مدعی نیست که تصویرها، تنها عامل تعیین کننده آینده هستند و آینده مطابق تجسم و تصور ما روی می‌دهد. صرف نظر از عواملی که فراتر از قدرت مهار بشر هستند. و در تغییر شرایط تأثیر دارند، پیامدهای ناخواسته و غیر منتظره فراوانی نیز وجود دارند که از اقدام‌های خود بشر سرچشمه می‌گیرند. با این حال، آینده‌پژوهان بر این باورند که تصویرهای آینده در هدایت رفتار بشر، عامل مهم بشمار می‌آیند. این تصویرها با هدایت رفتار بشر در شکل‌گیری آینده پیش رو نقش دارند. اقدام هدفمند نیازمند پیش‌بینی رویدادهای آتی است. (حمزه پور و میرک آبادی، ۱۳۸۱)

آینده پژوهان، از واقعیت‌هایی که اتفاق افتاده استفاده کرده و آن را به آینده نگری تبدیل می‌کنند، برای این کار با توجه به رد نشدن الگوهای استدلالی و مرکب از شواهد، در ساختن دانش معتبر و مورد اطمینان و جایگزین، تلاش میکنند، تا الگوی مورد نظر خود را به یک باور موجه تصویرسازی کنند. و دانش جایگزین را با اطمینان و اعتبار به تصویر بکشند. (Wendell, 1997)

اگر برای آینده، تصویری ترسیم می‌شود، مهم‌ترین منافعش این است که توجه پیدا کنیم، در زمان حال چه باید انجام دهیم. هدف آینده پژوهی، پیش بینی آینده محتمل یا آینده‌ای برنامه ریزی شده نیست بلکه هدف روشن کردن مسیر حرکتها و اقدام‌های کنونی در پرتو تصویر آینده ممکن است. (مردوخی، ۱۳۹۵)

رویکرد تصویر پرداز با بهره گیری از یافته‌های علمی جامعه شناسی توسعه، در رابطه با پیشرفت جوامع، می‌تواند، نگاه راهبردی به آینده پیدا کند. آینده نگاری راهبردی از غافلگیری در هنگام مواجهه با اتفاقات ناگهانی و دور از انتظار ممانعت می‌کند و با فروریختن ترسیم آینده واحد، آینده‌های بدیل را جایگزین می‌کند. همچنین به منعطف سازی برنامه‌ها برای کاهش عدم قطعیت آنها کمک می‌کند. تصویرسازی مزیت نسبی رقابتی، موجب افزایش جذابیت و کیفیت، کاهش هزینه و توانایی عرضه ارزش و خدمات بهتر نسبت با رقبا، می‌شود. (قلی پور و محمدی، ۱۳۹۸)

عامل کلیدی که سطح دید اجتماعی لازم برای پیش بینی توسعه آینده یک فرهنگ را تعیین می‌کند، ماهیت و وضوح اهداف ایدئولوژیک است که در رابطه با آنها گفتمان‌های فرهنگی جدید تولید می‌شود. بنابراین مهم است که بفهمیم رهبران و فعالان فکری آن چگونه مسائلی را که با آن روبرو هستند، درک و حل می‌کنند. در راستای دیدگاه اجتماعی و اهداف روشن، که در رابطه با آنها ایده‌ها تولید می‌شوند، می‌توان به طور منطقی تخمین زد که چه نوع گفتمان‌های دینی به احتمال زیاد توسعه خواهد یافت. (Moaddel, 2004)

بنابراین آینده پژوهی، ارتباطی دوسویه با جهان بینی، ایدئولوژی و فرهنگ ملت‌ها دارد، توجه به آینده و آثار آن در زندگی انسان، از مهم‌ترین مباحثی است که حس کنجکاوی انسان را بر می‌انگیزد. همچنین شناسایی جایگاه ارزش‌ها و نیازهای جامعه در آینده یک کشور، ضرورت آینده پژوهی را نشان می‌دهد و رابطه تعاملی آینده پژوهی با جامعه شناسی توسعه، اثر بخشی آینده پژوهی در خدمت به جامعه را بیشتر می‌کند. هرچند ابژه مورد مطالعه در علوم انسانی با

رشته‌های علوم تجربی و طبیعی متفاوت است و مطالعه در علوم انسانی عمدتاً فرا آزمایشگاهی است و تحول در این حوزه به دلیل نقش فعال انسان، زیادتر است. اما موضوعات مختلف برای جامعه‌شناسی توسعه در حوزه فرهنگ، برای آینده‌پژوهی و تحقق جامعه مطلوب، مانند؛ شیوه‌های آموزشی، دسترسی به امکانات آموزشی، میزان سرمایه‌گذاری، نیازهای اجتماعی و فناوری اطلاعات و ارتباطات عوامل مهم تحول در حوزه فرهنگی هستند. (واعظی و همکاران، ۱۳۹۶)

در جوامع اسلامی، تصویرسازی آینده با وجود حجیت حکم عقل و درک حسن و قبح به وسیله عقل، از نگاه دینی و بویژه در مذهب شیعه، می‌توان به استناد حکم عقل دلیل بسیاری از محرمات و واجبات را ثابت کرد. بنابراین در بسیاری از موضوعات که مشمول حکم شرع نیستند، عقلانیت ضامن ثبات در جامعه است، براین اساس، جامعه‌شناسی با شناخت از عقلانیت و پیامدهای افراط و تفریط در جوامع اسلامی به آینده‌پژوهی کمک می‌کند تا با تصویرسازی عقلانی گزینه‌های مختلف در آینده، در جهت تشویق به آینده‌نگری عقلانی، پیامدهای مخرب افراط و تفریط را نیز مجسم کند. (نجف زاده، ۱۳۹۶)

مدینه فاضله نوع خاصی از آینده‌پژوهی تصویر پرداز بوده است و همچنین ادیان مختلف به تصویر پردازی پرداخته اند که در اسلام نیز مهدویت، تصویری از آرمان شهر اسلامی است. وظیفه رویکرد تصویر پرداز، خلق آینده از طریق ایجاد ایده‌های نو و الهام بخش است. تصویر پردازی درباره آینده به منظور خروج از وضع موجود و نیل به وضع مطلوب است. آرمان شهر پردازی افلاطون با نام جمهوری سپس توماس مور با عنوان یوتوپیا و فرانسیس بیکن، آتلانتیس نو، حکایت از آن دارد، تمدن رو به تکامل است. طرح آرمان شهرها موجب ایجاد انگیزه برای جوامع بوده است. (میرخلیلی، ۱۳۹۱)

جامعه‌شناسی رفتارها و اتفاقات گذشته و مؤثر بر زمان حال را توصیف و تبیین می‌کند، تا اقدام برای رسیدن به آن تصویر در آینده صوت گیرد. جامعه‌شناس توسعه می‌تواند به عقب برگردد و رخدادها را، مطالعه کند، وقتی علت و عوامل شناسایی شوند، پیش بینی آینده نیز بهتر خواهد بود. چنین سیری به ما می‌آموزد آنچه پیش تر رخ داده چگونه می‌تواند بر آینده تأثیر بگذارد. فرآیند مشغول شدن به آینده این امکان را می‌دهد که افق دید خود را وسیع تر کنیم. (واتسون و فریمن، ۱۳۹۵)

در اینجا نقش جامعه شناسی توسعه بسیار مهم است، زیرا پیشنهاد اقدام عملی از جانب آینده پژوهان تصویر پرداز، ممکن است در زندگی مردم، پیامدهایی داشته باشد. یعنی زندگی مردم، بهتر یا حتی به وضعی بدتر تغییر کند. اما پژوهش‌های علمی جامعه شناسان به کم شدن اتفاقات بد کمک می‌کند. یعنی شناسایی رفتارهای متناسب در جهت تصویر آینده مطلوب برای جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است. برای رسیدن به وضعیت مطلوب هیچ فرمول قطعی وجود ندارد. منابع مالی به تنهایی کافی نیستند، تقویت پندارهای خوب و در مقابل طرد ایده‌های بد، برای تغییر جامعه به وضعیت خوب، بسیار مهم است. تعلیم و تربیت وسیله افزایش توانایی خلاق و الهام بخش پیشرفت است. (جرالد، ۱۳۸۲)

همانطور که گذشت، جامعه شناسی نوعی آگاهی به ما می‌دهد، یعنی به ما کمک می‌کند تا به فهم هرچه بیشتر خویش، تجهیز شویم. ما هرچه درباره چرایی اعمالی که انجام می‌دهیم و در باره عملکردهای کلی جامعه بیشتر بدانیم به احتمال زیاد می‌توانیم بر آینده خود تأثیر بگذاریم. زیرا راهبرد موفق برای رسیدن به وضع مطلوب بدون استفاده از توانمندی مردم امکان پذیر نیست. باید مردم را درگیر اقدام کرد. بنابراین کار جامعه شناسی توسعه، خلق ایده است تا در جامعه، از راه تعلیم و تربیت، نهادینه شود و بصورت پندارهایی مناسب در ذهن و عمل افراد و گروه‌ها و سازمان‌ها پدیدار شود. بدین طریق مسیر حرکت به سمت تصویر مورد نظر هموار می‌شود. (جرالد، ۱۳۸۲)

• کاربرد آینده پژوهی تجویزی در جامعه شناسی توسعه

آینده پژوهی با حدس و گمان عاقلانه و منظم، بعنوان یک روش علمی دقیق پرورش می‌یابد. این کار از طریق توجه و شناخت مجدد بدست می‌آید. جوهر حدس و گمان موفق، دستیابی است. می‌توان فرصت‌های جدیدی ایجاد کرد که تا به حال تصور نشده و یا برای یک جامعه در دسترس نبوده است. نیاز به ادامه بقا، ایجاد می‌کند، به تجزیه و تحلیل شرایط کنونی، پیش بینی تداوم و تغییرات احتمالی در آینده، و سپس حدس و گمان در مورد اینکه چنین تغییراتی در آینده ممکن است برای ما باشد، پرداخت. بنابراین آینده پژوهی یک عامل اساسی در موفقیت بشر است. با پیش بینی پذیری می‌توان، هنجارها را توسعه داد. (Chia, 2004)

در پارادایم تجویزی، خواست و نقش نیروی انسانی اهمیت بسیار دارد. انسان با آینده‌های ممکن، محتمل و آینده‌های باور کردنی روبروست. که رسیدن به هر کدام از آنها به سطح و کیفیت خواسته انسان یعنی آینده مطلوب وی بستگی دارد. در این نگاه جبرگرایی پنهان وجود ندارد. بلکه انسان کاملاً مختار است. مسیر زندگی خود را خود انتخاب کند. (نعیمی، ۱۳۹۶)

همچنین پروژه‌های آینده‌پژوهی، نیازمند تمهیدات خاص اجتماعی و فرهنگی است. تحلیل‌های جامعه‌شناختی و توانایی در فرهنگ‌سازی اجتماعی، ضروری هستند. پروژه‌های آینده‌پژوهی زمانی از اثربخشی و کارایی مناسب برخوردار می‌شوند که ایمان به تحقق آنها در جامعه ایجاد شود. در این صورت، فعالیت آینده پژوهانه اثربخش شده و به تجویزهایی کارآمد ختم می‌شود. (عیوضی و محمدی، ۱۳۹۰)

بنابراین آینده‌پژوهی وسیله‌ای برای ارتقای جامعه خواهد بود. آینده‌پژوهی تجویزی با استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناسی توسعه، بر فرهنگی کردن، نگاه به آینده مؤثر خواهد بود. هم‌گرا کردن فعالیت‌های آینده‌نگری و ارتقای فرهنگ آینده‌نگری در جامعه، برای ارتقای فرهنگ آینده‌نگری در جامعه، به آنها نیاز است. (گواهی و بابایی و سلیمی، ۱۳۹۶)

این پارادایم سه سؤال اساسی در اختیار می‌گذارد: «وقوع کدام آینده‌ها محتمل است؟»، «آینده‌های مطلوب ما کدامند؟»، «کدام آینده‌ها امکان وقوع می‌یابند؟» از آنجا که آینده مطلوب انعکاسی از ارزش‌های مطلوب جامعه است. پس باید روش‌هایی را طراحی کرد و بکار گرفت که به تحقق آینده مطلوب منجر شوند. ظهور پارادایم تجویزی، دسته‌ای تازه از پیش‌بینی‌ها را در پی آورد که آن‌ها را با عنوان «پیش‌بینی‌های هنجاری»^۱ یا تجویزی می‌شناسیم. (ناظمی‌اشنی و قدیری، ۱۳۸۵)

روش تجویزی یا هنجاری، برخلاف روش‌های اکتشافی که از زمان حال شروع شده و رو بسوی آینده دارند، و به اصطلاح رو به بیرون دارند و تلاش دارند که تحت شرایط مختلف کشف کنند که کدام آینده رخ می‌دهد، اما روش‌های تجویزی و هنجاری رو به درون دارند این روش‌ها از یک موقعیت مطلوب در زمان آینده شروع کرده و به زمان حال می‌رسند و چگونگی تحقق آن موقعیت مطلوب را بررسی می‌کنند. در واقع نقطه شروع این روش‌ها نقطه‌ای زمانی در آینده است. (ناظمی‌اشنی و قدیری، ۱۳۸۵)

1. normative forecasting

رویکرد هنجاری بیشتر به جهت انرژی درونی که دارد، استفاده می‌شود، این انرژی مبتنی بر ارزش‌های فرد، جامعه و یا سازمان است، با هدف ایجاد تغییرات بنیادین در وضع موجود و تلاش برای خلق آینده بزرگ همراه است. رویکرد تجویزی، با پس بینی فرد و جامعه را برای آینده تربیت می‌کند. در رویکرد اکتشافی پیش بینی^۱ حاکم بود اما در رویکرد هنجاری پس بینی^۲ بر آن حاکم است. (میرخلیلی، ۱۳۸۸)

آینده به جهت تغییرات و پیشرفت تکنولوژی، برای خیلی‌ها از جمله کسانی که آینده‌پژوهی ندارند، مخاطرات بیشتری به همراه دارد. اما رویکرد تجویزی می‌تواند از وجود شوک در آینده به جهت تغییرات برای انسان ایمنی ایجاد کند، جامعه‌شناسی توسعه نشان داده است، که چگونه فشارهای اجتماعی از نامتوازن بودن آهنگ تغییر در بخش‌های متفاوت جامعه ناشی می‌شود. بنابراین نه تنها باید بین آهنگ تغییر در بخش‌های گوناگون توازن و تعادل برقرار شود، بلکه باید بین آهنگ تغییر محیط و آهنگ محدود و اکنش انسان نیز این توازن و تعادل موجود باشد. با توجه به رویکرد تجویزی، می‌توان از «آموزش برای تغییر» یا از «آماده کردن مردم برای آینده» سخن به میان آورد. (تافلر، ۱۹۲۷)

رویکرد تجویزی این امکان را می‌دهد تا افراد از تغییر شکوفاتر شوند. در غیر این صورت، باید به مانند، یک مسافر ناآماده و سرگردان، در یک فرهنگ بیگانه، واقعیت‌طور دیگری برایش جلوه کند و نتواند با جامعه کنار بیاید. هرچند شوک فرهنگی در مقایسه با شوک آینده‌چندان شدید بحساب نمی‌آید. اما شوک آینده نوعی سرگشتگی و حیرانی به همراه دارد که از فرارسیدن نابهنگام آینده ایجاد می‌شود. (تافلر، ۱۹۲۷)

از مطالعات جامعه‌شناسان، چنین بر می‌آید، اگر برای مقابله با شوک آینده اقدامات حساب شده‌ای انجام نگیرد، افراد زیادی قادر نخواهند شد با محیط زندگی خود به شکل عقلانی مواجه شوند. در آن صورت ناراحتی و عصبیت‌های جمعی، نابخردی و خشونت بی حد و حصر به منزله پیش درآمد آن چیزهایی خواهد بود، که در آینده نهفته است. شوک آینده از قرار گرفتن یک فرهنگ جدید بر روی فرهنگ قدیم پدید می‌آید. اما آثار و عواقبش بسیار وحشتناک است. اگر

1. for cast
2. Back cast

شخص از تکیه گاه درستی بهرمنند نباشد و نتواند در محیط جدید عاقلانه رفتار کند، چه بسا خود و بسیاری دیگر را به نیستی بکشاند. (تافلر، ۱۹۲۷)

با توجه به مطالعات مذکور رویکرد تجویزی می‌تواند شرائط را طوری تجویز و تعلیم کند، نه تنها از ناسامانی در آینده در امان بود، بلکه آینده به سود جامعه رقم بخورد.

اما در بسیاری از جامعه‌شناسی‌های ملی کنونی، توجه به آینده مورد اغفال قرار گرفته است. شاید این عدم توجه بخاطر این باشد که ما نباید خود را درگیر آینده کنیم، چون آینده در دسترس ما نیست و سخن گفتن در مورد آن بیهوده به نظر برسد. اما این طرز تلقی برخلاف آن چه است که در زندگی روزمره با آن مواجه هستیم. ما زندگی خود را مبتنی بر مفروضات زیادی درباره آینده می‌کنیم. اینکه چیزی را در آینده ممکن یا غیر ممکن، محتمل یا نامحتمل، مطلوب یا نامطلوب بینگاریم، نتایجی متفاوت دارد. چشم داشت و انتظار و آرزو، برنامه ریزی و پیش‌نگری، همگی جنبه‌های ذاتی کنش انسانی آینده مدار است. فهم رابطه کنش‌ها و تبیین آن‌ها در حیطه شناخت جامعه‌شناس است. (شولز، ۲۰۱۵)

جامعه‌ای که در مسیر آینده مطلوب مورد نظر باشد نیاز به محاسبه دارد. جامعه‌ای که فاقد تربیت محاسبه‌گرایانه است، سرگردان خواهد بود و نباید انتظار داشت به آینده مطلوب برسد. جامعه محاسبه‌گرا در کنار عقیده و آرمان و ارزش‌های خود مسیر را می‌پیماید. چنین جامعه‌ای نیازمند، تربیت و نظارت و آموزش است، هدایت و پشتکار می‌خواهد. (سریع‌القلم، ۱۳۸۲)

محاسبه‌گرایی در جامعه‌ای محقق می‌شود که تحقیق علمی پژوهشگران اجتماعی بسیار مورد توجه باشد، یعنی پیشرفت یک جامعه تابع تربیت انسان‌هایی است که بصورت علمی و ارزشی محاسبه‌گر باشند و این هنر و ارزش را در ترکیب و تبدیل محقق سازند. منظور از این نوع تربیت، نظام ساخت و پرداخت، تبدیل مواد خام به محصول و تولید است. تولید ضرورتاً به کالا محدود نمی‌شود. بلکه ابداع روش‌های بدیع برای حل مشکلات جامعه نیز از مشتقات تولید در جامعه است. (سریع‌القلم، ۱۳۸۲)

تولید علم همواره از دغدغه‌های رهبر انقلاب بوده است. هنر ترکیب و تبدیل و زیر بنای فرهنگی وسیله‌ای برای آماده شدن جامعه، به سوی مدینه فاضله، یا حرکت در جهت آینده مطلوب و افق مورد نظر هستند. جامعه ما یک جامعه دینی است. باید ببینیم به چه سمتی حرکت صورت

می‌گیرد، این امر نیازمند تلاشی جامعه‌شناختی است. جامعه‌ای که مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و دینی است. همانطور که قبلاً گذشت، رفتارهای دینی و کارکرد دین محاسبه پذیر است. دین قادر است، وجدان جمعی به وجود آورد و آن را تقویت کند. از طرفی جامعه‌شناسی دینی کشف می‌کند که مسؤلیت اجتماعی چگونه محقق می‌شود، همکاری جمعی چگونه برای حرکت در مسیر افق مورد نظر اتفاق می‌افتد؟ به تعبیر دیگر دلایل همگرایی جامعه چه چیزهایی هستند تا مورد تأکید واقع شوند و دلایل واگرایی و دور شدن از مسیر چه چیزهایی هستند تا از آن پرهیز شود.

یکی از ویژگی‌های تعیین کننده رسیدن به پیشرفت، در یک جامعه، تربیت برای یک نوع نگرش و وجدان جمعی جامعه‌شناختی است. افراد مستقل از اینکه چه حرفه‌ای داشته باشند باید به مجموعه فرهنگی و فکری و ارزش‌های بافت اجتماعی آن مفتخر باشند و در حفظ آن بکوشند، در تصحیح آن قدم بردارند و مانع از تخریب آن شوند این امر به آموزش نیاز دارد. (سریع القلم، ۱۳۸۲)

وقتی آینده‌پژوه از آینده حرکت می‌کند و به زمان حال می‌رسد، زمان حال را با آینده مطلوب ناسازگار می‌بیند، در این جا به همکاری جامعه‌شناس نیاز دارد تا در یک ارتباط دوطرفه به سالم سازی امور در جهت نیل به هدف پرداخته شود. علت و علل‌ها و تبیین‌های علمی توسط جامعه‌شناس در ظهور و بروز پدیده‌های اجماعی، در پرتو پژوهش علمی تشخیص داده می‌شود. اما برای ارائه و تجویز راه حل به آینده‌پژوه نیاز است. بنابراین آینده‌پژوهی در حکم ابزار در دست جامعه‌شناسی توسعه برای رسیدن به هدف که همان جامعه مطلوب است، عمل می‌کند.

جامعه‌شناس همواره با شناخت نیروهای فعال جامعه، نقاط قوت و ضعف جامعه را شناسایی می‌کند. با پژوهش علمی، عامل‌های رفتاری در جهت همانگی و وفاق آن‌ها برای رسیدن به آینده مطلوب، توصیف و تبیین می‌کند. مثلاً اگر مسؤلیت پذیری کم هست و یا در جامعه نگرانی نسبت به بی‌اخلاقی وجود دارد، و در مقابل، رسیدن به آینده مطلوب، در گرو جامعه سالم و اخلاقی است. اینجاست که پای جامعه‌شناس به میان می‌آید، تا راه برون رفت از ناهنجاری را کشف کند یا به عبارت دیگر ریشه‌های ناهنجاری پیدا شود و آینده‌پژوه با تجویز آینده مطلوب و با یافتن راه حل مناسب، منشأ هدایت جامعه خواهد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همانطور که گذشت، جامعه‌شناسی توسعه، پیشینه‌ای داشته است و در مسیر خود، دارای رشد و تکامل بوده است ولی به شکل منطقی با آینده‌پژوهی پیوند نخورده است. اما شکل‌گیری آینده‌پژوهی در روش‌های مختلف ظرفیت‌هایی ایجاد کرده است که می‌تواند، در جهت پیش‌بینی با ظرفیت جامعه‌شناسی ترکیب شود. به عبارت دیگر جامعه‌شناسی توسعه، در ارتباط با هر یک از رویکردهای مورد نظر، چه از نگاه سنتی به پیش‌بینی و بصورت اکتشافی و چه براساس تصویرپردازی و به نوعی آینده‌سازی و چه براساس رویکرد تجویزی یا پس‌نگری، با توصیف علت و عوامل پدیده‌های اجتماعی در ارتباط با روندهای گذشته، رفتارهای آینده را پیش‌بینی پذیرتر می‌کند. با تصویرپردازی از آینده و برگشت به عقب اتفاقات بوجود آمده مورد مطالعه قرار می‌گیرد. زیرا امروز از گذشته متأثر است و از این طریق با آینده ارتباط برقرار می‌کند. پژوهش‌های علمی جامعه‌شناسی در ارتباط با تصویر مورد نظر از آینده به کم شدن اتفاقات بد و نزدیک شدن به آینده مطلوب متصور، کمک می‌کند.

اگرچه در همه رویکردها نیروی انسانی مهم هست. اما در آینده‌پژوهی تجویزی بیشتر بر نیروی انسانی تأکید شده است. احتمالاً در آینده‌پژوهی تجویزی، ارتباط میان آینده و حال بیشتر باشد، زیرا آینده‌های ممکن و محتمل و مطلوبی مورد بررسی قرار می‌گیرد که رفتارهای متناسب با آن‌ها تجویز می‌شود. رویکرد تجویزی، فرد و جامعه را فرصت‌ساز با نگاه به آینده می‌خواهد. از طرفی تمام علل و عوامل پیشرفت‌ها و کاستی‌ها نیازمند تحقیق و پژوهش جامعه‌شناسانه است.

تلاش برای رسیدن به وضع بهتر از دغدغه‌های جامعه‌شناسان بوده است. از طرف دیگر کشف آینده، تصویر آینده، و آینده‌های محتمل، ممکن و مطلوب بعنوان تکنیک‌های خاصی در اختیار آینده‌پژوهی هستند و جامعه‌شناسی توسعه از آن‌ها استفاده خواهد کرد. بنابراین موفقیت جامعه‌شناسی و آینده‌پژوهی در رسیدن به وضع مطلوب و ساختن آینده در ارتباط با هم تعریف می‌شود.

فهرست منابع

- احمدیان، قدرت. (۱۳۹۶). نقد پایان توسعه؛ پساتوسعه گرایی و بن بست‌های پارادایم توسعه، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره هشتم، ص ۲۷ صفحات ۲۵-۴۷
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۷). جامعه شناسی توسعه، تهران: کیهان، صص ۱۳۴-۱۳۳
- اسدی، علی. (۱۳۶۹). جامعه شناسی توسعه، فصلنامه علمی - پژوهشی، فرایند مدیریت توسعه، دوره ۴ شماره یک (مؤسسه آموزش و پرورش مدیریت و برنامه ریزی ریاست جمهوری) صص ۶۸-۵۱
- تافلر، الوین. (۱۹۲۷). شوک آینده، ترجمه، حشمت الله کامرانی، تهران: سیمرغ
- جرالد، میر. (۱۳۸۲). پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم انداز/ ترجمه: غلامرضا آزاد (ارمکی) تهران: نی، صص ۲۱-۲۵
- چالمرز، آلن اف. (۱۳۸۱). چیستی علم: درآمدی بر مکاتب علم شناسی فلسفی، ترجمه، سعید زیبا کلام، چ سوم، تهران: سازمان سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- حاجیان، ابراهیم. (۱۳۹۱). مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۵۰-۵۱
- حسین، میرخلیلی. (۱۳۹۳). کاربرد آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی؛ پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، رشته علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع)
- حمزه پور، علی؛ زارع میرک آباد، علی. (۱۳۹۲). بررسی مبانی معرفت شناختی آینده‌پژوهی اسلامی و بررسی تأثیرات آن بر روشهای آینده‌پژوهی؛ تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع)
- حیدری، زهرا. (۱۳۹۷). تاریخچه‌ای از تحقیقات آینده‌پژوهی، نشریه فیوچر، به نقل از <http://iranianfuturist.com>
- ریتزر، جرج، (۱۳۹۴). مبانی نظریه جامعه شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن؛ ترجمه: شهناز مسمی پرست، چاپ سوم، تهران: ثالث،
- سریع القلم، محمود. (۱۳۸۲). عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، تهران مرکز پژوهش‌های علمی مطالعات استراتژیک خاورمیانه، صص ۲۵۷-۲۵۶
- شولز، مارکوس. (۲۰۱۵). آینده‌ای که خواهان آنیم: جامعه شناسی جهانی و کوشش برای جهانی بهتر، مجله گفت وگویی جهانی، سال پنجم، شماره دوم، <http://isa-global-dialogue.net>
- عظیمی، محمد حسن؛ فدایی عراق، غلامرضا؛ کوبکی، مرتضی؛ و پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۵). جستاری در رویکرد مطلوب آینده‌پژوهی فناوری اطلاعات در حوزه علم اطلاعات و دانش شناسی؛ فصلنامه مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره ۱۸، صفحات ۱-۱۸
- عیوضی، محمدرحیم؛ پدرام، عبدالرحیم. (۱۳۹۰). نقش آینده پژوهان در شکل گیری آینده پژوهی اسلامی، نشریه انتظار موعود، شماره ۳۶ صفحات ۲۵-۴۲

قلی پور، پروانه؛ مظفری، محمد مهدی. (۱۳۹۸). طراحی مدل آینده نگاری راهبردی جهت توسعه اقتصادی و کسب مزیت رقابتی در بنگاه‌های کوچک و متوسط ایرانی، دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال چهارم، شماره دوم. صفحات ۲۵-۵۴

گواهی، عبدالرحیم؛ بابایی، نصیر مینا؛ سلیمی، جلیل. (۱۳۹۶). آینده نگاری در ایران و چند کشور منتخب، دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال دوم، شماره ۱. صفحات ۱-۲۶

گیدنز، آنتونی و همکاران. (۱۳۹۶). گزیده جامعه شناسی، ترجمه، حسن چاوشیان، چاپ نهم، تهران: نی، صص ۱۶-۱۵

مردوخی، بایزید. (۱۳۹۵). برنامه ریزی توسعه و آینده‌پژوهی، فصلنامه توسعه و آینده‌پژوهی، سال اول، شماره اول، صفحات ۱-۵۵

ناظمی‌اشتی، امیر؛ قدیری، روح اله. (۱۳۸۵). آینده نگاری از مفهوم تا اجرا، تهران: فراندیش، نجف زاده، رضا. (۱۳۹۶). عقلانیت‌های سه گانه و خلق آینده بدیل مطلوب برای تمدن اسلامی، دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال دوم، شماره سوم. صفحات ۴۳-۶۶

نعیمی، علی. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر و استراتژی‌های فناوری اطلاعات در توسعه با رویکرد آینده‌پژوهی منطقه ای؛ فصلنامه توسعه و آینده‌پژوهی، سال دوم شماره ۲، صفحات ۱-۶۹

نقیب السادات، سیدرضا؛ کیا، علی اصغر؛ افخمی، حسین؛ وصالی، لیلا. (۱۴۰۰). آینده‌پژوهی سواد رسانه‌ای در ایران با روش برنامه ریزی سناریویی، دوفصلنامه علمی پژوهی ایران، دوره ۶، شماره ۲، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) صفحات ۲۹-۵۲

واتسون، ریچارد؛ فریمن، اولیور. (۱۳۹۵). چشم انداز آینده، سناریوهایی برای سال ۲۰۴۰، مترجمان: نازیلا عاکفیان، هدایت امیری، محمد متقی، تهران: زیتون سبز، صص ۲۷-۲۵

واعظی، سیدکمال؛ قمیان، محمد مهدی؛ وقفی، سیدحسام. (۱۳۹۶). آینده‌پژوهی در علوم انسانی با رویکرد دانش؛ ملاحظات، دستاوردها و اثرات، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۵، شماره ۳، صفحات ۳۱-۴۶

ی. سو، آلون. (۱۳۸۰). تغییر اجتماعی و توسعه، مروری بر نظریات نوسازی و وابستگی و نظام جهانی، ترجمه: محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی،

Chia, Robert(2004), Re-educating Attention: what is Foresight and How is it Cultivated? In (Managing the Future: Foresight in the Knowledge Economy, Edited by Haridimos Tsoukas and Jill shepherd) USA: Blackwell publishing.

Schwandt , David R., Gorman, Margaret(2004), Foresight or Foreseeing? A social Action Explanation of Complex Collective Knowing in (Managing the Future: Foresight in the Knowledge Economy, Edited by Haridimos Tsoukas and Jill shepherd) Blackwell publishing USA .

Wendell Bell (1997), Foundations of Futures Studies History, Purposes, and Knowledge Human Science for a New Era, Volume 1, New Brunswick (U.S.A) and London (U.K.)
Moaddel, Mansoor (2004), The future of Islam after 9/11, Futures 36, Department of Sociology, Anthropology and Criminology, Eastern Michigan University

